

**عنوان اثر:** بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر

**مؤلف/ مترجم:** پل لازارسفلد / غلام‌عباس توسلی

**ناشر/ سال نشر:** امیرکبیر / ۱۳۷۰

### معرفی نقد و بررسی

پل لازارسفلد از جامعه‌شناسان بنام آمریکا و استاد دانشگاه کلمبیا بود که حدود نیم قرن به تدقیق روش‌های علوم اجتماعی و پژوهش‌های تجربی پرداخت و از هرگونه نظریه‌پردازی کلان امتناع ورزید. وی تا آخر عمر صدها مقاله و دست‌کم بیست اثر ارزشمند علمی به رشتهٔ تحریر درآورد. کتاب بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر برگردان تألیفی درخور توجه از وی است که در سال ۱۳۷۰ غلام‌عباس توسلی و تنی چند از دانشجویان<sup>۱</sup> ایشان به فارسی برگردانده‌اند.

این اثر با مقدمه‌ای که از یکسو مسئله و مشکل مورد نظر نویسنده را طرح می‌کند و از سوی دیگر، به پاسخ مسئله و دلایل توجیهی نگارش کتاب، اهداف و بخش‌های آن می‌پردازد، آغاز شده است. سپس، طی ۵ فصل در یک حرکت از مباحث کلی به مطالب جزئی و مصداقی به مطالب زیر اشاره می‌کند:

نویسنده در فصل اول، به نام «غنی‌سازی مفاهیم جامعه‌شناسی عمومی از طریق تحلیل بررسی‌ها»، پاره‌ای از سوءتفاهم‌ها را که در میان جامعه‌شناسان امریکایی و همکارانشان در کشورهای دیگر وجود دارد، طرح کرده و سعی می‌کند آنها را برطرف سازد. در این

---

۱. به گفتهٔ مترجم، آقای علی اسدی، در ترجمهٔ بخش اول و دانشجویان دورهٔ دکتری مترجم محترم، در تطبیق و ویراستاری کتاب مشارکت داشته‌اند.

فصل، تاریخچه‌ای از تحقیقات («پژوهش از طریق بررسی» {به گفته نویسنده} بیان کرده و به سهمی که این تحقیقات در ایجاد اندیشه جامعه‌شناسی عمومی دارند، اشاره می‌کند. در فصل دوم، با عنوان «جامعه‌شناسی کلان»، ضمن ادامه بررسی تحقیقات تجربی، به مرحله دیگری از رشد این نوع تحقیقات می‌پردازد. در بخش سوم، «در جستجوی یک نظریه»، دو نظامی که به مفهوم سنتی نظریه بیشتر نزدیک است (مارکسیسم و فونکسیونالیسم) بررسی می‌شوند. بخش چهارم با نام «تنوع گرایش‌های ملی و نقش آن در تحقیقات جامعه‌شناسی»، (که با همکاری توماس شپارد عضو دبیرخانه یونسکو نوشته شده است) به مطالعه ظهور تفاوت‌های ملی در باب نظریه اجتماعی اختصاص دارد. در نهایت، نویسنده در فصل پنجم، به نام «رابطه جامعه‌شناسی با سایر علوم اجتماعی»، با بررسی مناسبات میان جامعه‌شناسی و سایر علوم اجتماعی (انسان‌شناسی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و روان‌شناسی اجتماعی) کتاب را به پایان می‌رساند.

سایر آثار مشابه:

کتاب‌هایی که در آنها برخی از مباحث نظری یا روش‌شناسانه و فلسفه علم بیان شده و به نوعی مورد بحث قرار گرفته‌است؛ اما کتابی که به طور کامل مشابه این اثر باشد و در این سطح خصلت ضدنظریه‌پردازی (به ویژه از نوع کلان) و به طور همزمان دفاع از روش‌شناسی و پژوهش‌های میدانی، پیمایشی و تجربی را در قالب چارچوب‌های مفهومی محدود تأکید نماید، (به عنوان تنها راه یا مهم‌ترین راهکار و فعالیت موفقیت‌آمیز جامعه‌شناسی)، به ویژه در فارسی، کمتر می‌توان مطرح نمود.

### بررسی شکلی

با توجه به بینش تجربه‌گرا و مثبت‌گرای ضدفلسفی و نظری‌اندیشی نویسنده، احتمالاً باید شیوه نگارش وی از نوع پیچیده و دشوار نباشد، چنان که از متن ترجمه پیداست، متن ترجمه شده کتاب از نگارشی روان و عمدتاً رسا برخوردار است. هر چند، در مواردی، برخی از تعبیر نامأنوس یا نادرست بیشتر به لحاظ ساختار کلمات مورد استفاده یا بعضاً جمله‌های نارسا و مبهم در حد محدود یافت می‌شود. مثال:

## بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر ۱۸۳

صفحه ۱۳، پاراگراف دوم، سطر سوم: «برخی زمینه‌هایی را که مستلزم ... قرار می‌دادند»

صفحه ۱۴، سطر سوم: «اقتصادیون» و سطر ششم: «ذی‌علاقه»

صفحه ۱۵، پاراگراف سوم، سطر سوم: «سوءتفاهماتی»

صفحه ۹۶، سطر آخر: «به حداکثر ساده سازیم»

صفحه ۱۹۰، سطر یازدهم و دوازدهم: «آزمایشات»

صفحه ۱۱۸، پاراگراف آخر، سطر هفتم: «تامترین»

با توجه به زمان چاپ کتاب (۱۳۷۰) قواعد ویرایش و نگارش در حد خوبی رعایت شده است. اما عدم رعایت فاصله مناسب بین کلمات، بیشترین اشکالی است که در سرتاسر کتاب دیده می‌شود.

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی در حد مطلوبی نیست. اگر چه اندازه حاشیه‌ها و تناسب فونت قلم متن اصلی، تیتراها و زیرنویس رعایت شده است. اما فونت و اندازه قلم، فاصله بین خطوط (به ویژه در مقدمه مترجم و پیشگفتار مؤلف) در حد معمول نیست. همچنین نوع کاغذ (کاهی) نامرغوب و طراحی جلد نامناسب است.

## بررسی محتوایی

نویسنده فردی صاحب‌نظر در مباحث مربوط به روش‌شناسی و مطالعات تجربی است. از این رو، توانسته است مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با موضوع کتاب را به خوبی و درست به کار برد.

معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی اثر در حد خوب و قابل قبولی است. اغلب از معادل‌های رایج، رسا و قابل فهمی استفاده شده است. هر چند، در مواردی ممکن است معادل بهتر یا متفاوتی پیشنهاد شود.

برای تفهیم موضوع از سایر ابزارها مانند: آوردن پیشگفتار، مقدمه، طرح بحث مقدماتی، استناد به مطالعات دیگر، دیدگاه‌های نظری، شواهد عینی، مقایسه، مثال و نمونه‌های کاری تجربی (به طور فراوان)، شیوه بیان ریاضی و

فرموله کردن مطالب، نمودار، جدول و برخی آمار و اطلاعات بهره گرفته شده است.

محتوا و موضوع این اثر در حد طرح رویکرد و ایده‌های خاص خود جامع است.

محتوای کتاب با عنوان آن و فهرست فصول تا حد زیادی منطبق است، به ویژه اگر محدوده زمانی مورد توجه نویسنده و زمان انتشار اثر به زبان اصلی لحاظ شود. زیرا سعی کرده است عمده‌ترین بینش‌ها و گرایش‌های در حال چالش در جامعه‌شناسی میانه قرن بیستم را بیشتر با توجه به وضعیت جامعه‌شناسی در آمریکا و با نگاهی مقایسه‌ای نسبت به جوامع دیگر اروپایی (شوروی سابق و هند) در حوزه تعارض میان نظریه، روش، تحقیق تجربی، نوع برداشت از جامعه و نحوه بررسی آن طرح کرده و ارزیابی نماید.

نسبت به سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی، به‌طور کلی یا بخش‌هایی از کتاب متناسب با احتیاجات و مباحث دروس مختلف از ۱۰ تا ۴۰٪ قابل استفاده است.

بیشتر در مقاطع تحصیلات تکمیلی و با رویکردی انتقادی به عنوان یکی از رویکردهای مطرح در حوزه نظریه‌پردازی مباحث روش‌شناسی به صورت بحث کلاسی، کنفرانس و تحقیق دانشجو قابل استفاده است.

مباحث کتاب، بیشتر مربوط به دهه‌های میانی قرن بیستم و مجادلات مطرح در محافل جامعه‌شناسی آمریکایی آن عصر می‌باشد. البته، ممکن است هنوز هم به عنوان یک طرز فکر در بخشی از مباحث نظریه اجتماعی یا روش‌شناسی جامعه‌شناختی مطرح باشد.

در روزگار خود، با توجه به بیان صریح، همراه با شجاعت و اصرار نویسنده بر دیدگاه‌هایش در دفاع از تجربه‌گرایی در مطالعات اجتماعی، ابعاد نوآورانه‌ای داشته است.

در هر فصل متناسب با موضوع طرح شده از منابع فراوانی استفاده شده که در انتهای هر فصل مشخصات کامل آنها ذکر شده است.

جهت‌گیری نویسنده: الف - آشکارا ضد فلسفی، ضد نظریه‌پردازی، به ویژه از نوع کلان، تمایل نسبی به صحیح و به‌جا بودن و ضرورت توسعه

## ۱۸۵ بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر

نظریه‌های متوسط یا چارچوب‌های مفهومی کم دامنه، متنوع (غیرجامع و جزئی) و پراکنده، سوگیری شدید نسبت به شیوه‌های تجربی، آماری و ریاضی تحقیق در ارتباط با فهم و تشریح موضوعات اجتماعی و تا حدی تمایل به نزدیک کردن جامعه‌شناسی به روان‌شناسی اجتماعی یا نزدیک دیدن آنها و نوعی مثبت‌گرایی کمی‌گرایانه در حوزه پژوهش اجتماعی است.

ب - روایت تقلیل‌گرایانه و سوگیرانه از مباحث نظری و تحلیل‌های تاریخی مثل چگونگی پیدایش و رشد جامعه‌شناسی در جهت ضعیف نشان دادن اهمیت و توان نظریه‌پردازی اجتماعی.

با گسترش مطالعات عینی درباره مسائل و مشکلات اجتماعی، از جمله مواردی که با ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های اسلامی و مختصات فرهنگی بومی سازگار است، یعنی آنچه مورد تأکید این کتاب است، می‌توان همسویی‌ها و مشارکت‌هایی را بین این دو حوزه مشاهده کرد.

ابعاد مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ندارد. مگر از این حیث که با رویکرد ضدفلسفی و نظریه‌اندیشی اجتماعی بعد شناختی و بصیرت‌های عمیق‌تر را که ممکن است از رهگذر اندیشه‌های اجتماعی فراهم شود، تقلیل و تضعیف کرده، به نوعی سطحی‌گرایی و گزارش‌های کم‌عمق آماری و ریاضی از جامعه که بدفهمی‌هایی را همراه دارد، دامن زد. لیکن، در هر صورت ابعاد مثبت کتاب، به ویژه وقتی با رویکرد انتقادی خوانده شود، می‌تواند بیشتر باشد.

ترجمه ظاهراً کامل و اغلب روان و رسا و به اصول ترجمه توجه کافی شده است اما از لحاظ امانت‌داری در ترجمه جای تأمل دارد.

### پیشنهادها

در تجدید چاپ کتاب به موارد زیر توجه شود:

- ویراستاری ادبی و تخصصی برای رفع نواقص ویرایش، نگارشی و ترجمه‌ای
- تغییر فونت و صفحه‌آرایی
- در نظر گرفتن طرحی زیباتر با رنگ‌های جذاب‌تر

- اضافه کردن واژه‌نامه‌ای جدا و سه زبانه (فارسی، انگلیسی و فرانسه)، ضمیمهٔ موضوعی و اعلام به‌طور جداگانه و کتاب‌نامه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی